

مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی: اگر دولت به داد روزنامه‌ها نرسد، تقریباً همه آن‌ها از بین رفته و تعطیل می‌شوند



کجا بدهند که اولویت داشته باشد. مثلاً ازنظر بنده آموزش و پرورش اولویت دارد. همه آموزش‌ها از جمله دانشگاه‌ها اولویت دارند. فرهنگ به معنای واقعی‌اش، اولویت دارد. مطبوعات به دلیل فرهنگی بودن و اطلاع‌رسانی‌شان و کمکی که به نظام برای امنیت و اطلاع‌رسانی می‌کنند، اولویت دارند. ولی پول دولت جاهای عجیب‌وغریبی می‌رود! البته نمی‌خواهم بگویم که دولت عمده پول‌ها را در جاهای خرج می‌کند ولی وضعیت طوری پیش آمده که این گرفتاری‌ها الان در کشور نمایان شده است. برای مثال حساب کنید که دولت برای باشگاه‌های ورزشی و دستگاه‌های ورزشی کشور چقدر پول خرج کرده؟ اگر یک هزارم این پول را به کاغذ اختصاص می‌داد که وضع عادی داشته باشد و تثبیت شود. نه اینکه به مطبوعات بدهد بلکه اجازه ندهد مطبوعات آفندر گرفتار مشکل کاغذ شوند؛ ولی اصلاً این کار را نمی‌کند و در فکر دولت نیست. در واقع اولویتی قائل نیست درحالی‌که اول باید به مسائل فکری، فرهنگی و رسانه‌ای توجه کند و بعد سراغ مسائل دیگر برود. ولی این نوع تفکر اصلاً در دولت وجود ندارد. من نمی‌خواهم اینجا در بخش مدیریت وزارت ارشاد را مقصر بدانم. چون خبر دارم وزارت ارشاد هرچقدر تلاش می‌کند، فایده‌ای ندارد یعنی تلاش خودش را می‌کند نه اینکه نخواهد کار کند ولی اختصاص نمی‌دهند و نمی‌تواند. در حقیقت باید جای دیگری از دولت تصمیم‌گیری شود و دست وزارت ارشاد را باز بگذارند. به وزارت ارشاد به اندازه کافی بودجه اختصاص دهند تا این وزارتخانه بتواند کار را انجام دهد. البته شاید در خود وزارت ارشاد تقسیمات یک مقداری ناقص باشد که اولویت‌های خود وزارت ارشاد هم باید یک مقدار بازبینی شود که این پول‌ها همان اندازه که دارند ولو کم هست کجاها باید اختصاص یابد؛ اما درعین‌حال دست وزارت ارشاد در حدی که بتواند مشکل مطبوعات را حل کند، باز نیست. تکرار می‌کنم که مشکل مطبوعات هم این نیست که مطبوعات از وزارت ارشاد و دولت بخواهند که هزینه‌هایشان را بدهد. نخیر، دولت فقط جلوی گرانی کاغذ را بگیرد و یا فقط کاغذ را تأمین کند. ما بیشتر از این نمی‌خواهیم و همین بس است. ولی این کار هم انجام نمی‌شود فلذا وضع مطبوعات بسیار بد است. بخش دیگری که الان خیلی قابل گفتن است، این است که با گرانی‌های امسال دولت و شخص رئیس‌جمهور در مجلس هم اعلام کرده، در بودجه هم در نظر گرفته‌اند که ما می‌خواهیم ۲۰ درصد حقوق را بالا ببریم. بسیار خوب، یک بخش از این حقوق مربوط به کارگران می‌شود. روزنامه‌ها هم بیمه کارگری هستند و تحت نظارت قانون کار، کار می‌کنند. درآمد روزنامه‌ها که بالا نمی‌رود بلکه کم هم می‌شود. چون هم آگهی‌ها کمتر شده و هم وضع اقتصادی بدتر ضمن اینکه مخارج روزنامه‌ها هم افزایش پیدا می‌کند؛ یعنی هم باید سال آینده به کارمندان خودشان بیشتر حقوق بدهند که ۲۰ درصد اضافه می‌شود و هم مسائل جانبی بیشتری دارند. از طرفی قیمت اقلام

را اداره می‌کنیم؛ یعنی یک ساختمان یا دفتری درجایی از استانی داریم که می‌فروشیم. چیزهایی که می‌توانیم بدون آنها هم گذران داشته باشیم را می‌فروشیم و با پول آنها خودمان را اداره می‌کنیم. اگر این پول‌ها نباشد، امکان ادامه حیات اصلاً نداریم. مثل ما مثل همان خانواده افرادی است که می‌گویند باسبلی صورت خودشان را سرخ نگه می‌دارند؛ یعنی اگر فعلاً کار ما استمرار دارد، به دلیل این روشی است که الان در پیش گرفته‌ایم یعنی از کبسه می‌خوریم و وضعیت به گونه‌ای است که نمی‌توانیم خودمان را بدون فروش اموال اداره کنیم. درعین‌حال با اطلاعاتی که از بعضی روزنامه‌ها به دست آورده‌ام، وعشان از ما هم تا حدودی بدتر است. از آنجا که ما تا حدودی جمع‌وجور عمل می‌کنیم، قناعت کرده و رعایت خیلی موارد را می‌کنیم و ولخرجی نداریم، توانستیم تا حالا سر پا بمانیم؛ اما بعضی روزنامه‌ها که شاید این خصوصیات را ندارند، بدهی‌های خیلی بالایی دارند. شنیده‌ام یکی از روزنامه‌ها الان نزدیک به ۲۰ میلیارد تومان بدهی دارد.

روزنامه خصوصی؟
حالا روزنامه خصوصی و عمومی‌اش بماند، نمی‌خواهیم این قدر وارد ریز جزئیات شویم. نمی‌خواهیم بگویم کدام روزنامه چون فقط یک روزنامه هم نیست و بعضی روزنامه‌های دیگر هم همین وضع را دارند و با بدهی‌های کلان روبه‌رو هستند. به این دلیل که مخارجشان زیاد است و جمع‌وجور کار نمی‌کنند؛ اما چون ما جمع‌وجور کار می‌کنیم، توانستیم تا حالا ادامه حیات دهیم. ولی این وضع نمی‌تواند ادامه پیدا کند. چون اگر دولت به داد روزنامه‌ها نرسد، تقریباً همه روزنامه‌ها از بین می‌روند و تعطیل می‌شوند. مگر اینکه پول‌های خاصی از یکجای خاص به روزنامه‌های خصوصی برسد که این جور پول‌ها خیلی مضر است و پول‌های کیفی می‌شود. توقعاتی از روزنامه‌ها خواهند داشت و روزنامه نمی‌تواند آزاد باشد و به‌ناچار باید زیر بلیت منبع مالی باشد که برای روزنامه‌ها درست نیست. ولی شرایط، شرایط بسیار سخت و بدی است. توفقی هم از دولت نیست که بخواهد هزینه روزنامه‌ها را بدهد. دولت فقط مشکل کاغذ را حل کند که الان وضع بسیار بدی دارد. قیمت کاغذ نسبت به اوایل امسال حدود ۱۰ برابر شده است. اینکه یک عده از دولت برای وارد کردن کاغذ دلار بگیرند یا بخورند و برونه یا چیزهای دیگری وارد کنند که وضع کاغذ این طور در کشور آشفته شود. همه جور کاغذ اعم از روزنامه، تحریر و کتاب وضع بدی دارد به گونه‌ای که اصلاً قابل تحمل نیست.

مدیریت بازار دست چه کسی است و چه کسی مسئول تنظیم بازار است؟
طبعاً وزارت صنایع مربوط به مسائل صنعت کاغذ می‌شود. وزارت اقتصاد مربوط به بخش‌های دیگری از تنظیم این مسائل بازار کاغذ است. کلاً دولت فارغ از هر قسمتی که در دولت هست، باید در این قضیه تدبیری داشته باشد. چون صحبت مدیریت را کردید به شما بگویم که یک قوه تفکر و اتاق فکری باید در دولت باشد تا ارزیابی کنند پول‌ها را به

حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی در بخش دوم گفت‌وگوی تفصیلی با «انتخاب» از مسائل گوناگونی چون جریان‌های حاضر در حوزه، نهادهای فرهنگی در قم و تهران، وضعیت رسانه‌ها، انحصار صدوسیما و احتمال شکستن آن و... صحبت کرده است.

سرویس سیاسی «انتخاب»: بخش نخست گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مسیح مهاجری، مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی، به بحث درباره عملکرد روحانی، عملکرد اصلاح‌طلبان پس از انتخابات ۹۲ و ۹۴، پیش‌بینی دو انتخابات پیش روی مجلس و ریاست جمهوری، اظهارات جنجالی‌برانگیز اخیر آیت‌الله موسوی خوئی، جریانات حاضر و فعال در حوزه، انتقادات مرحوم آیت‌الله هاشمی از روحانی و بسیاری مسائل دیگر گذشت.

مهاجری در ادامه این گفت‌وگو از مسائل گوناگونی چون جریان‌های حاضر در حوزه، نهادهای فرهنگی در قم و تهران، وضعیت رسانه‌ها، انحصار صدوسیما و احتمال شکستن آن و... صحبت کرده است.

بخش دوم و پایانی گفت‌وگوی مشروح «انتخاب» با مهاجری به شرح زیر است:

یکی از مشکلات، شرایط فعلی رسانه‌هاست، مشکلاتی که با آن مواجه‌اند و آینده‌ای که با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. نظر شما در این باره چیست؟
من نزدیک ۴۰ سال است که کار رسانه‌ای می‌کنم و تمام این مدت تقریباً مسئولیت داشتم و همه جنبه‌های رسانه از قبیل محتوا و تهیه ملزومات از قبیل کاغذ و این‌ها را مطلع بودم و هستم و با این اطلاع جامع و کامل الان خدمت شما می‌گویم که در هیچ زمانی در طول این ۴ دهه گذشته، وضعیت مطبوعات یعنی رسانه‌های کاغذی به‌سختی امروز نبود؛ یعنی ما در حال گذراندن سخت‌ترین روزهای مطبوعات از چند نظر هستیم. اولین آن که سخت‌ترین آن هم هست ازنظر وضعیت مالی است؛ یعنی قبلاً به دلیل اینکه وضع اقتصادی بهتر بود، آگهی‌ها بیشتر و درآمد روزنامه‌ها بهتر بود و خودشان را می‌توانستند تا حدودی اداره کنند. البته هیچ‌وقت وضع روزنامه‌ها خیلی عالی نبود اما در حدی بود که خودگردان بودند. یک مقداری هم پرداختی‌های دولت به‌عنوان پارانیه یعنی کمک برای خرید کاغذ که همیشه بوده در گذشته بیشتر بود که الان همان هم به دلیل وضعیت مالی دولت و هم به دلیل تعداد زیادتر روزنامه‌ها و نشریات خیلی کم شده. از این طرف هم مخارج سنگین‌تر و زیادتر شده. نرخ‌ها خیلی بالاست فلذا وضع مالی روزنامه‌ها خیلی بد است. بعضی از روزنامه‌ها دیگر منتشر نمی‌شوند و بعضی در آستانه تعطیلی قرار دارند و خود ما هم به‌عنوان روزنامه جمهوری اسلامی که چه‌لیم سال انتشار خود را می‌گذرانیم و تا یکی، دو ماه دیگر چهل سالمان هم تمام می‌شود و وارد چهل و یکمین سالمان می‌شویم، دو سه سالی هست که با فروش اموال خودمان

مگالایا، بارانی‌ترین نقطه روی زمین در هند

اینجا، پرباران‌ترین نقطه روی زمین است که پل هایش جاندار هستند!



تا فرارسیدن ماه اکتبر یعنی زمانی که فصل بارانی به پایان می‌رسد و ماشین‌های سنگین پیمانکاران بتوانند به آنجا بیایند، سالم نگاه دارند. یک راهنمای محلی به پلی ریشه‌ای اشاره می‌کند که قرار است جای یک پل قدیمی‌تر و عرضی‌تر دیگر، روی یک دره عمیق جنگلی در نزدیکی ماسینرام، قرار بگیرد. نمونه‌ای از ریشه‌های هوایی نازکی که محلی‌ها به هم گره‌شان می‌زنند تا درختان کائوچو را به پل و نردبان‌هایی تبدیل کنند که می‌توانند در محیط خیس مگالایا دوام بیاورند.

یک زن خاسی مُسن جزو اولین کسانی است که به گرده‌های روز یکشنبه کلیسای کاتولیک ماسینرام می‌رسد. حدود ۷۰٪ مردم خاسی، به خاطر جنباب کشیش توماس جونز که در سال ۱۸۱۴ به‌سختی از تپه‌های دشت‌های بنگالایا در راه رفت و اولین کلیسا در همسایگی شهر چرراپونجی (Cherrapunji) را تأسیس کرد، مسیحی هستند.

دانش‌آموزان مدرسه آرس‌الپی (RCPL School) در روستای نونگسوفان (Nongsophan)، واقع در مگالایا (Meghalaya) هندوستان، هر روز صبح از روی پلی که از ریشه یک کائوچو روئیده است عبور می‌کنند. قرن‌هاست که قبایل خاسی (Khasi) با استفاده از ریشه‌های قابل تنظیم درختان کائوچو، بر روی رودخانه‌های منطقه، پل «رشد» می‌دهند؛ اما چرا گفته می‌شود که «رشد می‌دهند»؟ آموست سگنند: «عکاس نیویزندی، عکس‌های زیبایی از ایالت مگالایا هندوستان - که ادعا می‌شود مرطوب‌ترین نقطه روی زمین است - گرفته است. در روستای ماسینرام (Mawsynram) واقع در مگالایا، سالانه ۴۶۷ اینچ آب (معادل تقریباً ۱۲ متر!) باران می‌بارد. کارگرانی که در محیط‌های باز کار می‌کنند، لباس‌هایی از جنس بامبو و برگ موز بر تن می‌کنند. غیرمعمول‌ترین و زیباترین مناظر این منطقه پل‌های زنده گسترده بر دره‌های خیس از باران است. قرن‌هاست که مردم محلی این منطقه با دست‌کاری ریشه‌های درختان انجیر، کائوچو آن‌ها را به شکل قوس‌های طبیعی در آورده‌اند که بسیار بادوام‌تر از ساختارهای چوبی دست‌ساز هستند که فقط در عرض چند سال پوسیده می‌شوند. این پل‌ها با گذشت زمان و رشد سیستم ریشه، خود را تقویت می‌کنند.



هجوم ابرها به لبه‌های شرقی روستا، جایی که صخره‌ها تقریباً به‌صورت عمومی به‌سوی دشت‌های سیلابی پایین‌دست شیب پیدا می‌کنند. ورودی روستای ماسینرام، مردم این روستا، مثل اغلب روستاهای منطقه مگالایا در شمال شرقی هندوستان، خاسی هستند؛ یک اقلیت بومی که جمعیتشان در هند به ۱.۲ میلیون نفر می‌رسد.

آب باران پس از بارش شدید باران در روستا جریان دارد. وینچستر لینگچی در بازار روز گوشت تازه‌ای را به غرفه قصابی‌اش حمل می‌کند. وقتی از این جوان ۲۶ ساله پرسیده شد که آیا زندگی باوجوداین همه باران سخت است یا نه جواب داد «ها نمی‌توانیم به این موضوع فکر کنیم. اینجا همیشه بارانی است؛ اما ما باید کار کنیم، فکر کردن در موردش زیاد خوب نیست!»

این‌طور گفته می‌شود که روستای ماسینرام دارای بیشترین میزان بارش باران بر روی زمین است. این روستا که بر فراز خط‌الرأس تپه‌های شمال شرقی هند واقع شده است، سالانه ۴۶۷ اینچ بارش دریافت می‌کند ۱۳ برابر بیشتر از ایالت سیاتل در آمریکا (Seattle). دلیل این بارش شدید جریانات جو تابستانی است که از سوی دشت‌های سیلابی بخاری بنگالادش جریان پیدا می‌کند و با حرکت خود به‌سوی شمال، رطوبت بیشتری را جذب می‌نماید. هنگامی که ابرهای حاصله به تپه‌های شیب‌دار مگالایا برخورد می‌کنند، در میان شکاف پارک اتمسفر فشرده می‌شوند و این فشرده‌گی تا جایی ادامه پیدا می‌کند که دیگر نمی‌تواند رطوبت خود را حفظ کرده و باعث به وجود آمدن بارشی دائمی می‌شود که علت شهرت این روستاست. بارانی که در روز ۶ جولای ۲۰۱۴ بر روی یک سقف روستایی می‌کوبد، در ماسینرام در طی دو ماه ژوئن و جولای که نقطه اوج بارندگی‌های موسمی هستند، حدود ۲۷۵ اینچ باران می‌بارد.



پایگاه هواشناسی در حوالی ماسینرام، اطلاعات این پایگاه به‌صورت ماهیانه جمع‌آوری می‌شود، اما در پایان سال ۲۰۱۴ یک سیستم اندازه‌گیری دیجیتال در این پایگاه نصب شد.

سه کارگر که زیر چترهایی که «کنوپ» (Knuop) نام دارد، در ماسینرام قدم می‌زنند. دلیل محبوبیت کنوپ‌ها که از جنس بامبو و برگ موز ساخته می‌شوند، مناسب بودن برای کارهای دودستی و نیز مقاومت در برابر بادهای پُر قدرتی است که در طوفان‌های شدید منطقه می‌وزد.

کارگران کنوپ‌پوش پس از یک شب بارانی شدید در ماسینرام، خرده‌سنگ‌ها را جمع می‌کنند. امکان کارهای ترمیمی بزرگ در طول باران‌های موسمی ممکن نیست، اما این مردان موظف‌اند جاده‌ها را

بازار پس از بارش شدید باران در روستا جریان دارد. وینچستر لینگچی در بازار روز گوشت تازه‌ای را به غرفه قصابی‌اش حمل می‌کند. وقتی از این جوان ۲۶ ساله پرسیده شد که آیا زندگی باوجوداین همه باران سخت است یا نه جواب داد «ها نمی‌توانیم به این موضوع فکر کنیم. اینجا همیشه بارانی است؛ اما ما باید کار کنیم، فکر کردن در موردش زیاد خوب نیست!»

بزها در یک بعدازظهر کسل‌کننده و ابری در ایستگاه اتوبوسی پناه گرفته‌اند. در فصل باران‌های موسمی در تمام‌روز باران نمی‌بارد و سنگین‌ترین بارش‌ها اغلب در شب اتفاق می‌افتد.

روستای نانگریات (Nongriat) در دشت پایینی ماسینرام بهترین نمونه از «پل‌های زنده» را دارد که قرن‌هاست در این منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرند.

علاوه بر پل‌ها، جنگل‌های اعماق ماسینرام «نردبان‌های زنده‌ای» را در خود پنهان کرده است که برای کمک به پایین آمدن از سراسیبی‌های تند تپه‌های خاسی به این شکل درآمد دارند. پسران محلی در جنگل‌های حومه ماسینرام بر روی یک پل ریشه درختی که اکنون در حال شکل‌گیری است قدم می‌زنند. اسکلت پل از جنس بامبو است و پیچک‌های درختان کائوچویی که در اطرافش قرار دارند رشته‌به‌رشته بر روی سازه تنظیم شده‌اند. یک ماهیگیر جوان در زیر یک پل ریشه درختی باستانی در روستای مایوننگ (Mawlynnong) قدم می‌زند.

آیا از وجود پل‌های زنده خبر داشتید؟ پل‌هایی که نفس می‌کشند و رشد می‌کنند و عبور و مرور انسان‌ها را آسان‌تر کرده‌اند. به نظر نازک در مقابل سخاوت طبیعت، چه باید کرد؟

